

هشام مطر

روایت بازگشت

پدران، پسران و سرزمینی که آنها را از هم جدا می‌کرد

ترجمه، مؤده دقیقی



انتشارات نیلوفر

- سرشناسه : مطر، هشام، ۱۹۷۰-م. Matar, Hisham
 عنوان و نام پدیدآور : روایت بازگشت: پدران، پسران و سرزمینی که آنها را از هم جدا می‌کرد / هشام مطر؛ ترجمه مژده دقیقی.
 مشخصات نشر : تهران: نیلوفر، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
 شابک : 978-964-448-785-9
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت : The return: fathers, sons, and the land in between. اصلی:
 عنوان دیگر : بازگشت: پدران، پسران و سرزمین مابین‌شان.
 موضوع : مطر، هشام، ۱۹۷۰-م. - سفرها - لیبی.
 موضوع : Matar, Hisham - Travel - Libya :
 موضوع : نویسندگان آمریکایی - سرگذشتنامه
 موضوع : Authors, American - Biography:
 موضوع : Fathers and sons
 شناسه افزوده : پدر و پسر / دقیقی، مژده، ۱۳۳۵ - مترجم
 رده‌بندی کنگره : PR :
 رده‌بندی دیویی : ۱۳۹۰ ب ۶۱۱ / ۹۲ / ۸۲۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۳۰۵

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپ دوم: ۱۳۹۸



انتشارات نیلوفر
 خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۷

هشام مطر

روایت بازگشت

ترجمه مژده دقیقی

حروفچینی: شبستری

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

چاپ دوم: پاییز ۱۳۹۸

چاپ گلبان

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir



فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۱۳	۱. دریچه
۲۷	۲. کت و ملواریاه
۴۰	۳. دریا
۴۷	۴. سرزمین
۵۱	۵. بلوطه
۶۳	۶. شعرها
۷۴	۷. سلامتی؟ خانواده چطورند؟
۷۹	۸. آتش‌بس و نارنگی
۸۸	۹. پیرمرد و پسرش
۹۷	۱۰. پرچم
۱۰۴	۱۱. آخرین نور
۱۱۵	۱۲. بنغازی
۱۲۶	۱۳. زندگی دیگر
۱۳۴	۱۴. گلوله
۱۵۷	۱۵. ما کسیمیلیان
۱۷۳	۱۶. کمپین

۱۸۶	۱۷. پسر دیکتاتور
۲۰۷	۱۸. ادب و نزاکت لاشخورها
۲۱۳	۱۹. سخنرانی
۲۲۳	۲۰. سال‌ها
۲۳۷	۲۱. استخوان‌ها
۲۵۲	۲۲. ایوان

www.ketab.ir

پیشگفتار مترجم

روایت بازگشت رانمی توان تنها زندگی نامه به شمار آورد؛ این کتاب به مراتب از خاطره نویسی فزاینده است: حکایت تبعید است و تسلی یافتن در هنر، تحلیل استبداد است، تاریخچه خانوادگی است، تصویر کشوری است که با انقلاب دست و پنجه نرم می کند، و یکی سوگواری پر شور است. سفر به لیبی، پس از ۳۳ سال زندگی در تبعید، انگیزه، شام مطر برای نوشتن روایت بازگشت شد. بازگشت به سرزمین نیاکاران، یافتن رابطه های قدیمی و بنا کردن رابطه های جدید، در خلال جست و جوی پسری ناپدید شده. جاب الله مطر، پدر هشام، را زمانی ربودند که او نوزده سال داشت و در انگلستان تحصیل می کرد. جاب الله از مهم ترین مخالفان قذافی در تبعید بود. هشام هرگز پدرش را ندید، ولی امید به زنده بودن او را هرگز از دست نداد.

بیست و دو سال بعد، پس از سرنگون شدن حکومت قذافی، ملول های زندان خالی است و از جاب الله مطر اثری نیست. هشام همراه مادرش به سرزمینی بازمی گردد که گمان نمی کرد دیگر هرگز بتواند به آنجا قدم بگذارد. روایت بازگشت شرح این سفر است. تأمل منحصر به فردی است در تاریخ و سیاست و هنر، تصویری درخشان از سرزمین و مردمی در مرز تغییر است، و شرح اندوهباری از میراث به جامانده از حکومتی خودکامه. در معنای زندگی بدون پدری که بتوان بر او خشم گرفت کندوکاو می کند، و به تحلیل وضعیت انتظار همیشگی و مبارزه با احساس گناه، بلا تکلیفی و ناپایداری می پردازد.

جست و جوی بی ثمر هشام مطرب به دنبال پدر در دوره کوتاه امید در لیبی پس از انقلاب و سرنگونی قذافی جریان دارد. خاطرات او به همین روزهای خوش پس از انقلاب لیبی در بهار ۲۰۱۲ مربوط می شود، به فرصت کوتاه میان حکومت دیکتاتوری قذافی و جنگ داخلی که لیبی اکنون در آتش آن می سوزد. در این روزهای پرامید، هر اتفاقی ممکن است و تقریباً همه هم زمان از خوش بینی و بیم نسبت به آینده سخن می گویند.

آری، تراژیک روزگار در روایت بازگشت همین است. همه برنامه ها برای بنا کردن لیبی جدید، باثبات، و آرزوهای کوچک مردم عادی که هشام مطرب با آنها ملاقات می کند، در سایه فاجعه ای قرار می گیرد که نویسنده و خواننده هر دو می دانند به زودی رخ خواهد داد. تمام کشور روی لبه تیغ است. تا کمتر از دو سال دیگر، خیابان های مراکشی بزرگ لیبی به صحنه جنگ تبدیل می شود و از ساختمان ها تنها اسکلت های سرخسته و خالی برجها می ماند.

امروز شرایط در لیبی چنان شگفتناک است که بسیاری از مردم، در آرزوی ثبات، حسرت دوران قذافی را می خورند. اما باید فراموش کرد که وضعیت امروز لیبی تا حد زیادی نتیجه ۴۲ سال دیکتاتوری هوتماک قذافی است. شرایط امروز این کشور به مراتب از آرمان های انقلاب به وراثت نزدیک تر است. بسیاری از اعراب معتقدند بهار عربی دردسری بود که به مصیبت بیش نمی آرزید. منطقه تکه تکه شده است؛ از یک سوی یمن در آتش جنگی خانمان سوز می سوزد، از سوی دیگر کابوس سوریه خواب از چشم اهالی جهان ربوده است. این تفرقه در تفکری دارد که بر اساس آن اعراب سزاوار شرایط بهتری نبوده اند. وضعیت امروز لیبی به شرایط گذشته و دوران قذافی بسیار وابسته است. زمان را نمی توان به عقب برگرداند. آنها که سرنگون کردن قذافی را محکوم می کنند، چشم بر واقعیت ها درباره شرایط کنونی لیبی می بندند.

قذافی، مانند همه دیکتاتورها، از نویسندگان می ترسید و روایت هایشان را رقیبی برای روایت خود می دانست. در ۱۹۷۷، یک جشنواره ادبی ترتیب داد و همه کسانی را که در آن شرکت کردند دستگیر کرد. می گویند بعد از سقوط

حکومتش تنها در بنغازی بیش از ۱۵۰ روزنامه منتشر می‌شد. روایت بازگشت یک یادآوری جسورانه است؛ انکار هنرمندانه دروغ‌ها و حذف‌های رسمی حکومت قذافی است. با این حال، هشام مطر به هیچ وجه انقلابی نیست. در مقام نویسنده، به رازهای زندگی خانوادگی بیشتر علاقه نشان می‌دهد تا امور انتزاعی سیاست. کتابش مطالعه ریشه‌ها و روابط است نه تحلیل انقلاب و وضعیت سیاسی یا اعلام استقلال از پدر یا کشورش. اهمیت روایت بازگشت، با همه فجایع انسانی و پس‌زمینه سیاسی غریبش، در این است که داستانی مشترک را باز می‌گوید، داستان پسرانی در هر کجا که پدران خود را از دست داده‌اند، همان‌گونه که همه پسران سرانجام پدران خود را از دست خواهند داد.

تصویر آن که از باب‌الله مطر از خلال روایت پسرش — از تکه‌های خاطرات شخصی و خاطرات سیاسی که با او در زندان بوده‌اند — شکل می‌گیرد، به لحاظ عفت و پاکدامنی (عام و خاص)، ترس‌آور است. او نمونه یک مخالف منضبط است: سازش‌ناپذیر در برابر درخت قدرت، سخاوتمند نسبت به رفقا، کسی که در مقابل نامالایمات سرخم نمی‌کند. سنوشت پدر همچنان نامعلوم است. هشام مطر در روایت بازگشت به قطعی در این زمینه نمی‌رسد. این کتاب بیشتر فرصتی است برای کندوکاو در مجموعه بسیار پیچیده‌ای از رویدادها که طیف وسیعی از احساسات و عواطف انسانی را درگیر می‌کنند. داستان جست‌وجوی پدر به راهی برای بازگفتن داستان لیبی تبدیل می‌شود. سرخه‌های جانکاه امید و ناامیدی در تاریخ این کشور بارها تکرار شده است. پس از کودتای قذافی در ۱۹۶۹، جاب‌الله مطر همراه با گروهی از افسران عالی‌رتبه ارتش چند ماهی به زندان افتاد، ولی همچنان امیدوار بود که حکومت جدید جامعه لیبی را بنا خواهد کرد تا جانشین نظام سلطنتی کوتاه‌فکری شود که پس از استعمار بی‌رحمانه ایتالیا بر لیبی حاکم شده بود. قساوت قذافی به عزت نفس مردم لیبی به شدت آسیب رساند، ولی انقلاب فوریه ۲۰۱۱ به نسل جدیدی امید بخشید.

روایت بازگشت، در واقع، درباره سیاست نیست. حتی درباره آخرین نفس‌های حکومت قذافی هم نیست. کتابی است درباره خانواده و از دست دادن

و عشق. اثری غیر داستانی است که انسان‌های دیگر در آن اهمیت زیادی دارند. هشام مطر در روایت خود از شهادت‌های دیگران استفاده می‌کند، از رویدادهای تاریخی‌ای که بر آنها اثر گذاشته‌اند پرده برمی‌دارد، و خود همچنان سخت تحت تأثیر وقایعی است که زندگی او و خانواده‌اش را دگرگون کرده است. دبست سرنوشت او را از بازگشت به سرزمینش بازداشته، پدرش ناپدید شده، اعضای خانواده‌اش به زندان افتاده‌اند، دوستانش کشته شده‌اند. مجموعه این حوادث او را ز یاد آورده، انگار دارد غرق می‌شود.

کتاب ساختار پیچیده‌ای دارد؛ پیوسته در زمان جلو و عقب می‌رود، مانند موجی پیش می‌آید و عقب می‌نشیند. مطر، مثل همه ما، زندگی‌اش را با سنجۀ لحظه‌های مهم از زندگی می‌کند. ولی آنجا که زندگی‌های معمولی را با تولد و ازدواج و مرگ پس از هر هفت‌هفت‌ساله‌ای می‌سنجد، شاخص‌های سال‌های زندگی او رویدادهایی مانند تبعید، برده شدن پدرش، و کشتار قریب به ۱۲۷۰ نفر در زندان مخوف ابوسلیم است.

ذهن ناآرام مطر در ساختار پراکنده کتاب بازتاب می‌یابد که، غالباً در هر فصل، میان شهرها و دوره‌های مختلف به نرمی در رفت و آمد است و تاریخ لیبی را با حکایت‌های خانوادگی، خاطرات را با شواهد روایات می‌آمیزد. خواننده ناگزیر است خود روایت خطی رویدادها را در میان این بی‌نظمی ظاهری پیدا کند و تنها زمانی که کتاب پیش می‌رود، درمی‌یابد که این بی‌نظمی ساخته و پرداخته نویسنده است و پاره‌های داستانی و خرده‌روایت‌ها بخشی از یک طرح سجمی را تشکیل می‌دهند که به سرانجام پرکشش کتاب منتهی می‌شود.

هشام مطر خواسته و ناخواسته رفتار تبعید شده است، اما آنچه تحمل این تبعید را دشوارتر و پیوند او را با سرزمینش ناگسستنی‌تر می‌کند تراژدی ناپدید شدن پدرش است. سایه گذشته بر سراسر زندگی‌اش سنگینی می‌کند. نمی‌تواند این گذشته تلخ را پشت سر بگذارد و به آینده بنگرد. تجربه‌های گذشته، خانواده، کشور و پدرش افکار، احساسات، حالات روحی و در مجموع جهان او را ساخته است. این تجربه‌ها او را به شبکه پنهانی متصل می‌کند که همه ما را به هم پیوند می‌دهد.

هشام مطر در کتاب‌هایش اغلب از عناصری از نقاشی، معماری و موسیقی استفاده می‌کند. مضامین فقدان و تبعید در آثارش تکرار می‌شود. تاریخچه خانوادگی آکنده از درد و رنج او در رمان‌هایش نیز بازتاب یافته است. در هر دو رمان مطر، پدرِ قهرمان داستان مخالفی است که ناپدید می‌شود. در کشور مردان از نگاه یک کودک به حکومت دیکتاتوری لیبی است؛ و محور رمانِ آناتومی یک ناپدید شدن نیز ربوده شدن پدر و درد و رنج پسر اوست. روایت بازگشت اما حکایت پخته‌تر از هر دوی این رمان‌ها دارد. از دایرهٔ خانوادهٔ کوچک نویسنده بیرون می‌آید و حکایت برادرها، عموها و پسرعموها را نیز بازمی‌گوید که برخی از آنها از حکایت جاب‌الله هولناک‌تر و وحشت‌انگیزتر است. مهارت مطر در جمله‌پردازی و داستان‌گویی، آمیخته به جزئیاتی که روایت می‌کند یا به‌خاطر می‌آورد، به خلق اثری خاص منتهی شده است. هشام مطر، هنگام نوشتن روایت بازگشت، خود را رادای می‌کشد تا آنچه را که بر سر پدرش آمده مجسم کند، و خشمی را که همچون «رودخانه‌ای سموم» در وجودش جاری است، آرام کند. آنچه در داستان هیجان‌انگیز است، در این کتاب، چون حقیقت دارد، ترسناک است. از آن ترس ساطع می‌شود، نه هیجان.



هشام مطر نویسندهٔ بریتانیایی-لیبایی زادهٔ نیر-رک است. پدرش جاب‌الله مطر، پس از آنکه قذافی در ۱۹۶۹ با کودتایی زمام حکومت را به دست گرفت، ناگزیر به ترک لیبی شد و در ۱۹۷۰ که هشام به دنیا آمد، در هیئت نمایندگی لیبی در سازمان ملل کار می‌کرد. در ۱۹۷۳ همراه خانواده به طرابلس رگشت، ولی در ۱۹۷۹ همگی بار دیگر از لیبی گریختند. هنگامی که به قاهره رفتند هشام به سال داشت و تحصیلش را در مدرسهٔ آمریکایی قاهره ادامه داد. در طول سال‌های تبعید در قاهره، پدر هشام با صراحت بیشتری از حکومت قذافی انتقاد می‌کرد. هشام در ۱۹۸۶ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان رفت و پس از پایان دبیرستان تصمیم گرفت تحصیلاتش را در رشتهٔ معماری در لندن ادامه دهد. در ۱۹۹۰ هنوز در لندن به دانشگاه می‌رفت که پدرش جاب‌الله را در قاهره ربودند.

هشام مطر دو رمان و یک زندگی‌نامه نوشته، و یک کتاب کودکان که به زبان ایتالیایی منتشر شده است. نوشتن نخستین رمانش، در کشور مردان، را در اوایل سال ۲۰۰۰ شروع کرد. در پاییز ۲۰۰۵، انتشارات پنگوئن برای انتشار دو کتاب با او قرارداد بست. در کشور مردان در ژوئیه ۲۰۰۶ منتشر شد و به ۳۰ زبان ترجمه شده است. دومین رمانش، آناتومی یک ناپدید شدن، در سال ۲۰۱۱ منتشر شد.

هشام مطر از نویسندگان خوش اقبالی است که کارش از ابتدا مورد توجه و تحسین کاتبخوان‌ها و منتقدان بوده است. نخستین رمانش، در کشور مردان، تا فهرست نهایی جایزه من-بوکر پیش رفت، و چندین جایزه از جمله جایزه کتاب اول گاردین را از آن خود کرد. آناتومی یک ناپدید شدن هم نامزد چند جایزه شد و شیکاگو تریبون، ال دیپندنت، گاردین، تلگراف و تورنتو استار آن را در شمار بهترین کتاب‌های سال ۲۰۱۱ قرار دادند. روایت بازگشت جایزه پولیتزر سال ۲۰۱۷ را در بخش زندگی‌نامه و زندگی‌نامه خودنوشت به دست آورد. در همین سال، برنده جایزه جین استاین در انجمن قلم آمریکا و جایزه فولیو هم شد و به فهرست نهایی جایزه انجمن ملی منتقدان کتاب آمریکا در بخش زندگی‌نامه خودنوشت راه یافت. این کتاب در اسپانیا، آلمان، فرانسه و انگلستان نیز جوایزی به دست آورده و یکی از ده کتاب برتر نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۶ بوده است.